

خبر

ادعاهای گروسی در جلسه شورای حکام

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز گذشته در سخنرانی آغازینش در جلسه شورای حکام توضیحاتی درخصوص فعالیت‌های اخیر آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران به رئیس جلسه ارائه داد. به گزارش پایگاه اینترنتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی مدیرکل آژانس در سخنرانی آغازینش در نشست شورای حکام گفت: تا ۲۳ فوریه ۲۰۲۱ آژانس بر اجرای تعهدات برجامی ایران نظارت و آن را راستی‌آزمایی کرده است. اگرچه، از ۲۳ فوریه، همان‌طوره‌که گزارش‌م روشن می‌سازد، تصمیم ایران برای متوقف‌کردن اجرای تعهدات هسته‌ای‌اش تحت برجام ازجمله پروتکل الحاقی بر فعالیت‌های راستی‌آزمایی و نظارت آژانس تأثیر گذاشت. ماه گذشته، علی‌اکبر صالحی، معاون رئیس‌جمهور ایران و من به توافق رسیدیم که آژانس تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱ بتواند تاوأم کسب اطلاعات لازم را بازگردانی و دوباره برقرار کند. به گزارش‌هایم در این زمینه ادامه خواهم داد. گروسی در ادامه بیانیه‌اش خطاب به رئیس جلسه مطرح کرد: شما همچنین گزارش من را درباره توافق ان‌پی‌تی با جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده‌اید که تلاش‌های آژانس را برای شفاف‌سازی سوآلات مربوط به صحت و کامل بودن اظهارات ایران تحت معاهده پادمانی و پروتکل الحاقی آن شرح می‌دهد. گزارش من به یافته‌های آژانس درباره چهار محل اعلام‌نشده در ایران و پاسخ‌های آژانس به درخواست‌های ایران در جهت شفاف‌سازی می‌پردازد. او در ادامه ادعا کرد: از زمان گزارش قبلی‌ام، ایران اطلاعات جدیدی درباره یک محل ارائه نداده است، به‌هیچ‌یک از سوآلات آژانس پاسخ نداده است و اطلاعاتی درباره دو محل دیگر ارائه نکرده؛ بیانیه‌ای مکتوب درباره محل چهارم بدون اسناد و مدارک اثبات‌شده ارائه کرده است. وجود چند ذره اورانیوم با منشأ انسانی در سه محل در ایران که به آژانس اعلام نشده‌اند و وجود ذرات تغییریافته ایزوتوپي در یکی از این محل‌ها به‌وضوح بر این دلالت دارد که مواد یا تجهیزات هسته‌ای آلوده به مواد هسته‌ای در این محل‌ها وجود داشته است. او همچنین در ادعایی گفت: با گذشت چند ماه، ایران توضیحات لازم درباره وجود ذرات مواد هسته‌ای در هیچ‌یک از این سه محلی که آژانس دسترسی تکمیلی به آنها پیدا کرد، ارائه نکرده است. با عدم چنین توضیحاتی از سوی ایران، من عمیقاً از این باطل نگرانم که در این سه محل اعلام‌نشده در ایران مواد هسته‌ای وجود داشته است و محل فعلی این مواد هسته‌ای برای آژانس مشخص نیست. ایران نه به سوآل‌ها درباره محل اعلام‌نشده دیگر پاسخ داده و نه درباره محل فعلی اورانیوم طبیعی به شک یک صفحه فلزی شفاف‌سازی کرده است. مدیرکل آژانس در بخش اظهارات‌اش درباره ایران گفت: من از اینکه مذاکرات فنی میان آژانس و ایران به نتایج مورد انتظار نرسیده باشند و درباره عدم پیشرفت در شفاف‌سازی این مسائل پادمانی نگرانم. لزوم شفاف‌سازی ایران و حل‌وفصل این مسائل بدون تأخیر بیشتر را از طریق ارائه اطلاعات، ارائه شواهد و مدارک و پاسخ به سوآلات آژانس تکرار می‌کنم. عدم پیشرفت در شفاف‌سازی سوآلات آژانس درباره صحت و کامل‌بودن اظهارات پادمانی ایران، به‌طورجدی بر توان آژانس در زمینه اطمینان‌یابی از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد.

گفت‌وگوها برای احیای نقش آفرینی در مرحله پایانی است

● ایسنا؛ وزیر امورخارجه آلمان گفت که رایزنی‌های وین برای احیای برجام در مرحله پایانی قرار دارد. به گزارش اسپوتنیک، هایکو ماس وزیر امورخارجه آلمان روز دوشنبه در سخنرانی خود در افتتاحیه نوزدهمین کنفرانس رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک آلمان در خارج از کشور اظهار کرد: گفت‌وگوهای وین درباره احیای کامل برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در مرحله پایانی قرار دارد.

روح‌اله نخعی؛ دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ برای ایران دوره خوبی نبود، اما این جمله بدیهی تنها به کار مرور گذشته نمی‌آید. برهم‌زدن دستاورد بزرگ دیپلماسی دولت حسن روحانی، یعنی برجام، کارزار فشار حداکثری که تجارت و فروش نفت ایران را با چالشش جدی مواجه کرد، مانع تحریم بر سر راه خرید واکسن، دارو، تجهیزات و تأمین نیازهای مربوط به مقابله با کرونا، سنگ‌های بزرگی که دولت ترامپ در روند تعامل ایران با اتحادیه اروپا، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و حتی با کشورهای مثل چین و روسیه انداخت، بازگذاشتن تمام‌وکمال دست رقبای ایران در منطقه مانند عربستان سعودی و اسرائیل برای هرگونه اقدام علیه ایران و متحدان ایران، تنش‌های ریزودرشت دریایی در آب‌های جنوب ایران و حتی درنهایت ترور یکی از فرماندهان نظامی برجسته ایران در خاک کشور ثالث گزیده‌ای از اقدامات و فشارهایی است که در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ علیه ایران پیگیری شد. تبعات دوران ترامپ حتی همین امروز که چهار، پنج ماهی از شروع کار دولت جوو بایدن می‌گذرد نیز هنوز بر سر ایران سنگینی می‌کند. تحریم‌ها هنوز برقرار هستند و به تبع آن در حوزه‌هایی مثل فروش نفت، تجارت و تعاملات مربوط به مقابله با کرونا، ایران هنوز گرفتار است. تأثیر منفی این اتفاقات بر وضعیت اقتصادی کشور نیز همچنان برقرار است. در صحنه سیاست خارجی نیز دوران ترامپ آثار ماندگاری خواهد داشت. برجام و توافق هسته‌ای، پروژه‌ای بزرگ و چندجانبه با حضور ایران و آمریکا بود که بعد از سال‌ها فقدان رابطه رخ داده بود و می‌توانست بستر اتفاقات مثبتی در نحوه تعامل ایران با جهان باشد اما ضربات سنگینی که ترامپ به این فرایند زد و عقب‌گرد دیپلماتیکی که او ایجاد کرد، به شکلی بود که حتی در صورت احیای توافق هسته‌ای نیز وضعیت به شرایط پیش از امضای اولیه توافق برنخواهد گشت. چهار سال دوره ریاست‌جمهوری ترامپ در صحنه سیاست خارجی برای ایران با مزاحمت‌ها و دردسرهای البته بی‌منطق و متوالی همراه بود که بسیاری از آنها، برخلاف قوانین رسمی و قواعد روز حقوق بین‌الملل و دنیا دیپلماسی پی گرفته شد. حالا همان ترانم، خیلی بیشتر از رؤسای جمهور پیشین آمریکا به‌دنبال نقش‌آفرینی و چیشش نیروها برای انتخابات سال آینده کنکره آمریکاست.

اما پایان دولت ترامپ یک تفاوت با پایان دولت اغلب رؤسای جمهور دیگر دارد. او پس از تنها یک دوره به رای مردم آمریکا کنار رفت اما این بیتی او می‌تواند یک‌بار دیگر پای صندوق رای آمریکا بیاید و به‌دنبال ریاست‌جمهوری باشد. همین فرصت نقش‌آفرینی دوباره او را همچنان به‌عنوان مهره‌ای جدی در صحنه سیاست آمریکا و در رقابت‌ها و بحث‌های درونی حزب جمهوری‌خواه نگه داشته است. از سوی دیگر، حزب جمهوری‌خواه نیز در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ به حزب ترامپ تغییر هویت داده است و اگرچه خود ترامپ، محصول روندی بود که پیش از ورود او به صحنه سیاست در این حزب طی شده بود، پس از ورود او این روند زیر بلیت او شکل گرفت. حزب جمهوری‌خواه در مجمع عمومی سال ۲۰۲۰ و پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری، برخلاف روال هیچ برنامه‌ای تنظیم و منتشر نکرد و هدف حزب را تنها در تلاش برای انتخاب مجدد رئیس‌جمهور ترامپ خلاصه کرد. پس از انتخابات و ادعای ترامپ درباره تقلب در انتخابات، برای مدتی حزب جمهوری‌خواه سردرگم تصمیم‌گیری در زمینه همراهی با ترامپ بود. اما بعد از گذشت مدتی حزب به تیم ترامپ تبدیل شده است. اعضای حزب با تشکیل کمیته‌ای برای بررسی حوادث ششم ژانویه، یعنی حمله هواداران ترامپ به ساختمان کنکره مخالفت کرده‌اند. لیز چنی، از اعضای هیئت‌رئیس حزب جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان به

خاطر انتقاد از ترامپ در این زمینه و رای علیه او از جایگاه خود در مجلس کنار گذاشته شد. بیشتر مدعیان کرسی‌های انتخاباتی در میان جمهوری‌خواهان به‌دنبال جلب حمایت او هستند. هم در انتخابات ۲۰۲۲ کنکره و هم در انتخابات ۲۰۲۴ رهبری حزب جمهوری‌خواه با ترامپ خواهد بود - به احتمال قریب‌به‌یقین، خود او نامزد اصلی جمهوری‌خواهان در ۲۰۲۴ برای تجدید رقابت با بایدن خواهد شد. با این

اوصاف، چشم‌انداز ایران در این زمینه چیست؟

تادموکرات‌ها هستند، چه می‌شود؟

اولین مرحله چالشش ایران و آمریکا در همین دورانی است که هنوز اوضاع در اختیار دموکرات‌هاست. در این زمینه دو مسئله قابل‌توجه است. مسئله اول وضعیت دموکرات‌ها در کنکره فعلی است و مسئله دوم موضع آنها نسبت به برجام و دیپلماسی با ایران است که البته تا حد زیادی تحت تأثیر مسئله اول است.

در مسئله اول باید توجه داشت که دموکرات‌ها حداقلی‌ترین شکل اکثریت را در دو مجلس کنکره در اختیار دارند. به این مناسبت در پیشبرد بسیاری مسائل آنها فقط در صورتی اقبال دارند که بر سر آن اتحاد کامل داشته باشند؛ حتی در حالتی که این اتحاد وجود داشته باشد نیز جمهوری‌خواهان توانایی این را دارند که با استفاده از قوانین خاص در سنا مانند قبلی‌باستر، مانع پیشرفت برنامه‌های دموکرات‌ها در حالی‌که استفاده از قدرتشان دموکرات‌ها را ناچار به مصالحه‌هایی برخلاف خواست و ترجیح آنها کنند. در چنین وضعیتی دموکرات‌ها از طرفی ممکن است در پیشبرد اهداف خود به مشکل بخورند و از طرف دیگر ممکن است به همین خاطر، در انتخابات آینده به چالش بخورند و در شرایطی که به‌سختی اکثریت او را در اختیار دارند، با شکستی هرچند کوچک، بار دیگر به اقلیت تبعید شوند.

مسئله دوم اما این است که برجام و دیپلماسی با ایران به‌هیچ‌وجه مسئله‌ای نیست که دموکرات‌ها

بر سر آن چنین اتحادی داشته باشند. برعکس، بین قدرتمندان حزب دموکرات در کنکره هستند نام‌هایی که مخالفان قدیمی برجام بوده‌اند. مهم‌ترین آنها، اتفاقاً به تعبیری بالاترین مقام دموکرات در کنکره است؛ جاک شومر، رهبر دموکرات‌های سنا و مجلس بالاثر، همان زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما از مخالفان اصلی مذاکرات و توافق هسته‌ای با ایران بود. به این ترتیب اگر آنچه برخی، هم در ایران و هم در آمریکا، خواهان آن هستند اتفاق بیفتد و تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف اصلی برجام در آمریکا به کنکره سپرده شود، حتی در همین کنکره نیز این به سود برجام و ایران نخواهد بود؛ چه رسد به حالتی که در آن کنکره به دست جمهوری‌خواهان افتاده باشد. مگر اینکه دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ اکثریت خود را به شکل درخور توجهی افزایش دهند که آن‌هم لاقلاً فعلاً چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. در این میان، لازم است به این نکته نیز اشاره شود که جمهوری‌خواهان در ایالات مختلف در حال تصویب طرح‌هایی هستند که برتری سیستماتیک آنها در انتخابات را تا حد زیادی افزایش می‌دهد و ناگامی دموکرات‌ها در این تقابل حتی ممکن است آنها را تا اطلاع ثانوی از قدرت دور کند.

اگر جمهوری‌خواهان کنکره را پس بگیرند؟

اما اگر در انتخابات ۲۰۲۲ جمهوری‌خواهان کنکره را از دموکرات‌ها پس بگیرند، اوضاع کم‌وبیش شبیه همان چیزی خواهد شد که در زمان امضای برجام برقرار بود؛ شاید این‌بار در شرایطی دست جمهوری‌خواهان پرتر است. دولت اوباما در شرایطی برجام را امضا کرد و اختیار قیوب بود و حتی در پرونده‌های کم‌جنجالی‌تر داخلی نیز دست دولت از سوی اهالی کنکره باز نبود. اوباما به همین دلیل عطای تصویب در پارلمان را به لقای آن بخشید و با دستور اجرایی ریاست‌جمهوری آن را پیش برد. بایدن در این شرایط حسابی روی کمک و همراهی کنکره باز نخواهد کرد و اگر نخواهد کار را پیش ببرد، در محدوده اختیارات و قدرت‌های ریاست‌جمهوری این مسئله را پی خواهد گرفت. اما این‌بار کنکره جمهوری‌خواه، کنکره متفاوتی خواهد بود. از طرفی برد در انتخابات کنکره بعد از

چشم‌انداز چالش‌های ایران در سایه جاه‌طلبی‌های رئیس‌جمهور سابق آمریکا

کابوس بازگشت ترامپ برای ایران و جهان

رئیس‌جمهور سابق آمریکا نقش آفرینی در انتخابات آینده ایالات متحده را از حالا آغاز کرده است



تتها دو سال کار دولت بایدن، به جمهوری‌خواهان اجازه خواهد داد خود را متولی توقف برنامه‌های بایدن شامل برنامه‌های او درباره ایران بدانند و از طرف دیگر این‌بار کنکره جمهوری‌خواه، کنکره‌ای خواهد بود که ترامپ و ترامپ‌ها در آن قدرت شایان توجهی خواهند داشت. جمهوری‌خواهان به‌رحال مخالف برجام و تعامل با ایران هستند، اما گونه ترمایی آنها، محاسبه‌گری‌های معمول و توجه به دغدغه‌های متحدان آمریکا را نیز در نظر ندارند و در نتیجه چنان‌که در دوران دولت ترامپ دیده شد، ایده‌های خود را به شکل «حداکثری» پی خواهند گرفت. در میان مخالفان برجام این ایده چند بار مطرح شده است که کنکره با تصویب طرح‌هایی رئیس‌جمهور را در این زمینه محدود کند و طرح‌هایی نیز در این زمینه پی گرفته شده است. در چنان مجلسی، چنین ایده‌هایی با اقبال بیشتری نیز مواجه خواهد شد. مجلس ایران در سال ۹۹ درحالی‌که دولت بایدن هنوز بر سر کار سوار نشده بود، طرحی را تصویب کرد که در عمل تقریباً برجام را پیش از آن‌که دولت آمریکا فرصت تجدیدنظر پیدا کند، به پرتگاه فروپاشی می‌برد. این طرح البته به آن نتیجه نرسید و سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت خارجه دولت روحانی نتوانستند با توافقی که با آژانس کردند، از این بزنگاه رد شوند. اگر کنکره در آمریکا به دست جمهوری‌خواهان بیفتد، چنین اقداماتی از طرف آمریکایی‌ها هم نامحتمل نیست. البته یک عامل دیگر نیز در این زمینه مؤثر خواهد بود؛ همین مجلس و البته

دولت آینده که رئیس‌جمهوری از جنس همین مجلس خواهد داشت. در چنین شرایطی، سه مسئله تأثیرگذار خواهد بود: اول اینکه در شرایط حضور دولت و مجلس محافظه‌کار در ایران و کنکره جمهوری‌خواه در آمریکا، تلاش‌های مجلس دیپلماسی این‌بار

به‌جای اینکه تنها از سوی دولت ترامپ یا از سوی مجلس ایران پی گرفته شوند، از دو طرف دنبال خواهند شد. دوم اینکه دولت به‌عنوان متولی اصلی کار در ایران، دیگر با تیمی مثل تیم محمدجواد ظریف مدیریت دیپلماسی را در اختیار نخواهد داشت که به دنبال خنثی‌کردن تلاش‌های دیپلماسی باشد، بلکه احتمالاً نظر مثبتی به این تلاش‌ها نیز خواهد داشت. مسئله سوم نیز این است که اقدامات ضد دیپلماسی از سوی هرکدام از دو طرف که رقم بخورد، بهانه و نقطه اشاره نسخه‌های مشابه در طرف مقابل برای تشدید اقدامات خواهد بود؛ یعنی اگر در کنکره آمریکا طرحی ضد ایران و ضد برجام تصویب شود، این طرف در دولت و مجلس به‌عنوان نشانه‌ای به آن اشاره خواهد شد که نیاز است اقدام متقابلی با علیه دیپلماسی پیگیری شود و برعکس.

اگر ترامپ دوباره پیروز شود؟

همه آنچه را در بند قبلی خواندید، به همه آنچه در دوران ترامپ دیدید، اضافه کنید. در شرایطی که ترامپ برنده انتخابات ۲۰۲۴ شود و به تبع آن کنکره نیز در اختیار جمهوری‌خواهان باشد، در ایران و آمریکا هم دولت و هم پارلمان در اختیار کسانی خواهد بود که به دیپلماسی و توافق هسته‌ای نگاه منفی دارند. ترکمپ احتمالاً رفتاری مشابه رفتار دولت اولش را پی خواهد گرفت و در مقابل در غیاب روحانی و ظریف، ایران هم به اقدامات هیجانی و تقابلی مایل‌تر خواهد بود؛ البته اگر تا زمانی که کار به دست ترامپ بیفتد، چیزی از این توافق و متعلقاتش باقی مانده باشد. دولت بایدن گفته است به دنبال این خواهد بود که بعد از تصویب برجام گفت‌وگوهای بیشتری با ایران را پی خواهد گرفت. بایدن در این زمینه احتمالاً با دولت آینده ایران ناکام خواهد بود؛ اما دولت ترامپ خط متفاوتی را پیش خواهد گرفت. حتی اگر فرض

کنیم این‌بار در اتفاقی متفاوت محافظه‌کاران در دو کشور به دنبال مذاکره با هم بروند، مواضع و خواسته‌های‌شان شرایطی را تصویر می‌کند که در آن دستیابی به نتیجه‌ای مطلوب دور از ذهن به نظر می‌رسد.

ترامپ اگر در دولت اولش به شکل حداکثری به دنبال فشار بر ایران بود، احتمالاً در دولت دوم خود که دولتی در انتظار انتخابات هم نخواهد بود؛ بلکه حاضر به جبران شکست ۲۰۲۰ خواهد بود، اقدامات تندی را علیه ایران کلید خواهد زد، آن هم در شرایطی که با تصمیماتی که از سوی یک دولت محافظه‌کار در ایران پیش‌بینی می‌شود، دیگر بازیگران برجام هم احتمالاً اصرار چندانی بر مخالفت با او نخواهند داشت.

چه تضمینی برای حفظ توافق‌ها در کار خواهد بود؟

کوتاه‌ترین و البته سطحی‌ترین پاسخ به این سؤال در کلمه «هیچ» خلاصه می‌شود. تضمین، به‌شکلی که برخی خواستار آن هستند، قرار است به این معنا باشد که توافق به شکلی تنظیم شود که تغییر دولت‌ها در دیگر کشورها هیچ تأثیری نتواند بر نوشتن توافق‌ها و برنامه‌های دیپلماتیک بگذارد. چنین تضمینی بین هیچ دو کشوری در صحنه سیاست خارجی ممکن نیست. هیچ دولتی نه در آمریکا و بلکه نه در ایران نمی‌تواند چیزی به شکلی تنظیم کند که دولت‌ها و مجالس آینده هیچ کاری درباره آن نتوانند بکنند. دولت‌ها و مجالس قانوناً متولی اداره کشور هستند و اختیاردار تصمیم‌گیری‌های لازم. وقتی تغییر از اوباما به ترامپ روابط آمریکا با فرانسه، آلمان، بریتانیا، اتحادیه اروپا، چین، روسیه، سازمان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی، دادگاه‌های بین‌المللی و... را به هم می‌ریزد، توافق با ایران هم از چیزی مصون نمی‌ماند. آیا این به معنی تأیید ادعاهای مخالفان برجام است؟ کاملاً برعکس.

چه می‌توان کرد؟

آنچه در روابط بین‌الملل تعیین‌کننده محدوده تصمیمات دولت‌های آینده و رونده است، هزینه‌های احتمالی خراج‌دمن فرمان‌هاست. اینکه دولت‌های سراسر‌جهان هر روز اراده نمی‌کنند خاک همدیگر را تصرف کنند، اموال همدیگر را ضبط کنند، سفارتخانه‌های هم را تعطیل کنند یا دیپلمات‌ها و شهروندان هم را گروگان بگیرند، به این خاطر است که نظام روابط بین کشورها، دوجانبه، چندجانبه یا جهانی به شکلی تنظیم شده است که از اغلب حیزم‌های قدرت‌های جهانی و بازیگران بیشتر از علقب احتمالی‌شان خواهد بود. چنان‌که گاهی این تعادل برعکس هم می‌شود و مثلاً در همین سال‌ها هم دیده می‌شود که کشورهای ناگهان مدعی بخشی از خاک در اختیار کشور دیگر می‌شود و به آن دست می‌اندازد؛ چون عواملی باعث شده نتیجه بگیرد که از پس هزینه ماجرا برمی‌آید. احیای برجام اگر اتفاق بیفتد، کم‌وبیش فرصتی برای ایران ایجاد می‌کند که برخی معتقدند در دوران پیش از ترامپ هم بود؛ اما به شکل مناسب از آن بهره‌برداری نشد. ایران می‌تواند در شرایطی که تحریم‌ها برداشته شده است، روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری و حتی فرهنگی خود با کشورهای دیگر، به طور مشخص قدرت‌های جهانی و بازیگران برجام از چین و روسیه گرفته تا اروپایی‌ها را به نحوی تغییر دهد و تنظیم کند که آسیب‌پذیری خود را در مقابل اقداماتی مشابه دوران ترامپ، به حداقل برساند و شرایطی را دنبال کند که در آن درصورتی‌که ترامپ با کسی مثل ترامپ تصمیم مشابهی گرفت، به همان شکل که ایران از آن آسیب می‌بیند، دیگر بازیگران برجام هم با آسیبی مواجه شوند و در معرض هزینه‌ای قرار بگیرند که انگیزه‌ای درخور توجه برای مقابله با ترامپ برای آنها ایجاد کند. این گزینه در دنیایی آن چنانی حتی ممکن است تا حدی محتمل‌تر از زمان تصویب برجام هم باشد. دولت اول ترامپ بسیاری از متحدان آمریکا و بازیگران صحنه بین‌المللی را به این فکر انداخت که شاید لازم است درباره نحوه روابط خود با آمریکا بازبینی‌هایی داشته باشند. دولت بایدن البته به‌دنبال جبران رفتار ترامپ است، اما اگر دولت دوم ترامپ هم آغاز شود، دیگر کسی از قدرت‌گرفتن او شوکه نخواهد شد و همه تجربه چهار سال ترامپ را دارند تا بدانند با آمریکایی مواجه هستند که اگر فکری برایش نشود، برای همه هزینه خواهد آفرید.

نه‌تنها در زمینه برجام، در واقع در اکثریت قریب به اتفاق صحنه‌های سیاست خارجی ایران، آنچه می‌تواند منافع ایران را حفظ یا آسیب به آنها را حداقلی کند، همین تنظیم روابط است. اگر احیای برجام کلید خورد، ایران باید بتواند با استفاده از فرصت، بقیه را به این خدود درگیر کند. البته باید دید کسانی که بعد از این اداره امور ایران را در دست خواهند داشت، تا چه حد درباره این نوع مناسبات و الزامات بین‌المللی درک و توجه دارند.

www

shargh

daily

ir

اصلاحیه آگهی دعوت موسسه گاز طبی رمضانیا چاپ شده به شماره ۳۹۹۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ صفحه ۸ روزنامه شرق

شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۳۴۹۷ و شماره ثبت ۷۰۹۰
موسسه و تاریخ صور تجلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶
صحيح می باشد.

دیپلماسی

سال هجدهم • شماره ۴۰۲۱ — ۴

ادامه از صفحه اول

تلاش برای توسعه به شرط پاستور

بر خود فرض می‌دانم که به‌عنوان یک پژوهشگر کشاورزی و از منظر حرفه‌ای و نیز دبستگی به منافع ملی کشور، از چنین صاحب‌نظرانی گلايه داشته باشم که چرا تا به حال این طرح‌های شگفت‌انگیز را رو نکرده بودید؟ مگر نمی‌دانستید در حال حاضر بخش کشاورزی به مدد سخاوت صندوق ذخیره ارزی و برداشت‌های مسرفانه از منابع آب زیرزمینی، تنها توانایی تغذیه حدود ۶۵ درصد از جمعیت ۸۵میلیونی کشورمان را دارد؟ درحال‌حاضر ارزش واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی متجاوز از ۱۳ میلیون دلار و با ترازوی منفی از صادرات و واردات معادل پنج میلیون دلار در سال است. یا که سالانه بیش از دو میلیارد تن خاک را بر اثر فرسایش از دست می‌دهیم. تنها در پنج دهه گذشته دو میلیون هکتار اراضی مرغوب زراعی، تغییر کاربری یافته‌اند. میزان وابستگی به واردات روغن خوراکی حدود ۸۵ درصد است. اکثر مراتع کشور هم‌اکنون در شرایط بحرانی قرار دارند. چرا با وجود احتمالاً آگاهی از آسیب‌های بعضاً جبران‌ناپذیر بر منابع بخش کشاورزی تاکنون برای ارائه برنامه‌های توسعه پایدار بخش کشاورزی سکوت اختیار کرده بودید؟ اساساً برای دستیابی به قابلیت رؤیایی «تدارک کانون تولید غذا برای ۵۰۰ میلیون نفر» چرا تا به حال طرحی ارائه نکرده و در دسترس دستگاه‌های متولی قرار نداده‌اید؟ اگر نامزد مورد نظر بر کرسی دستگاه اجرایی نشست و به این مهم نیز دست یافت آیا نباید شما را برای چنین تأخیر و سکوتی در گذشته مورد انتقاد قرار داد؟ در خاتمه از شما دارندگان نقشه راه رسیدن به «تولید محصولات کشاورزی برای ۵۰۰ میلیون نفر» انتظار می‌رود در هر صورتی از نتیجه انتخابات و بنا به وظیفه ملی، از ارائه جزئیات چنین طرح خلاقانه به مدیریت اجرایی کشور دریغ نورزید.

حمایت قانون از غیرواقع گرایی تا رئیس‌جمهور شدن

در حقوق ایران نیز اگر وکیل دادگستری در موضوعی که امکان پیروزی آن در دادگاه بسیار ضعیف یا اصلاً وجود نداشته باشد و به دروغ به موکل، قول تضمینی و وعده پیروزی در دادگاه را بدهد و متعاقباً همین امر سبب جلب نظر موکل نسبت به انعقاد قرارداد وکالت شود، دروه قضائی و قانونی آن را از مصادیق جرم کلاهبرداری می‌داند. حال سؤال و ابهامی که ایجاد می‌شود، این است که چرا وعده دروغ وکیل به یک شخص (موکل) جرم است، اما وعده‌های پوچ نامزدهای ریاست‌جمهوری یا شورای اسلامی شهر وروستا در رسانه‌های ملی به ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت نباید جرم‌انگاری شود؟ قطعاً در پاسخ باید اذعان کرد که اگر مبنای اصلی حقوق، عدالت باشد، باید با توجه به دلایل پیش‌گفته، قانون‌گذار وعده‌های بی‌اساس نامزدهای انتخاباتی را که نیز موجب فریب مردم می‌شود، جرم‌انگاری کند.

❖ **پژوهشگر حقوقی و مدرس دانشگاه**

کوتاه از دیپلماسی

گفت‌وگو با معاون وزیر دفاع عربستان درباره ایران

● ایسنا؛ وزیر امور خارجه انگلیس از دیدار با معاون وزیر دفاع عربستان سعودی و گفت‌وگو درباره مسائل مختلفی ازجمله ایران خبر داد. دومینیک راب، وزیر امور خارجه انگلیس که به عربستان سعودی سفر کرده است، در صفحه توییتش درباره دیدار با خالد بن‌سلمان، معاون وزیر دفاع عربستان نوشت: خالد بن‌سلمان و من درباره موضوعاتی همچون تهدید منطقه‌ای ایران گرفته تا بحران ادامه‌دار یمن و چالش‌های جدید غلبه بر حمله‌های سایبری، رایزنی و موافقت کردیم که شراکت مستحکم و پایدار انگلیسی-سعودی برای غلبه بر تهدیدهای مشترک پیش‌رویمان بسیار مهم است. دومینیک راب همچنین با محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی و فیصل بن‌فرحان، وزیر امور خارجه عربستان، دیدار داشته است.

واکنش غریب آبادی به گروسی

● فارس؛ نماینده ایران گزارش اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را معتبر ندانست و از این نهاد خواست از هرگونه دستور کار سیاسی فاصله بگیرد و افزود: رویکرد یک‌طرفه آژانس می‌تواند به مانعی برای تعاملات آتی تبدیل شود. کاظم غریب‌آبادی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نوشت: مواضع گروسی حاکی از رویکرد یک‌طرفه دیرپارانه آژانس در برابر تعاملاتش با ایران و نادیده‌گرفتن سطح همکاری و تعامل فی‌مابین است. این رویکرد می‌تواند به مانعی برای تعاملات آتی بین دو طرف تبدیل شود. او با ذکر این نکته که گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با سوابق همکاری بین ایران و آژانس سازگاری و همخوانی ندارد، یادآور شد: این گزارش معتبر نیست؛ چراکه مبتنی بر منابع قابل اتکا نیست. همچنین متقاعد کننده نیز نیست؛ چراکه تمامی ابعاد همکاری و پیشرفت‌های حاصل‌شده را منعکس نمی‌کند.